

معرفی و نقد کتاب فلسفه کتابداری و اطلاع رسانی

تهران: نشر کتابدار، ۱۳۸۶

نوشته: فاطمه (بهار) رهادوست

نقد و بررسی: دکتر یزدان منصوریان

مقدمه:

شاید متداولترین و در عین حال دشوارترین پرسشی که کتابداران و مدرسان کتابداری ناگزیرند به آن پاسخ گویند پرسش درباره مفهوم این رشته، کاربردش و رابطه آن با اطلاع رسانی باشد. این سؤال چند وجهی و چالش برانگیز معمولاً از سوی غیر کتابداران و دانشجویان کتابداری مطرح می شود. انگیزه گروه اول از طرح این پرسش معمولاً کنجکاوی شخصی است، اما برای گروه دوم این موضوع از اهمیت ویژه ای برخوردار می باشد چرا که منزلت اجتماعی و آینده شغلی آنان در گرو یافتن پاسخی مناسب برای آن است.

در همایشها و نشستهای متعددی شاهد بوده ام که بسیاری از دانشجویان، بویژه دانشجویان سالهای نخست، با شور و شوق فراوانی از اساتید کتابداری و کتابداران با تجربه درباره ماهیت این رشته و معنی و مفهوم آن می پرسیدند. اما به نظر می رسد پاسخهای ارائه شده برای آنان چندان روشن و قانع کننده نیست و حتی گاهی بر ابهامشان نیز می افزاید. نتیجه این سردرگمی باعث شده که گروهی از آنان در صدد تغییر نام کتابداری باشند. در یکی از همایشهای دانشجویی سال گذشته (۱۳۸۶) نیز طوماری با دهها امضاء دیدم که امضاء کنندگان خواستار تغییر نام رشته بودند تا شاید بتوانند از این طریق منزلت و نام و نشان تازه ای برای آن فراهم کنند. اما به نظرم

این اقدام نه تنها مشکلی را حل نخواهد کرد بلکه بر مشکل فعلی نیز خواهد افزود چرا که در این صورت ناچاریم آن نام و نشان نوظهور را تعریف کنیم و این خود تبدیل به معضل جدیدی خواهد شد.

هنگامی که ما در تعریف این رشته با قرن‌ها سابقه در عرصه عمل، بیش از یک قرن حضور به عنوان یک رشته مستقل دانشگاهی در دنیا، و چهل سال کارنامه تدریس دانشگاهی در ایران با دشواری مواجه هستیم چگونه می‌توانیم تعریف قابل قبولی از عنوان جدید آن ارائه کنیم! بنابراین برای مواجهه اصولی با این پرسش شاید بهتر باشد به تامل بیشتر در گذشته این رشته، نقش آن در گسترش اندیشه‌های بشری، تعاملی که با سایر علوم دارد، و توان بالقوه آن در تعامل با جامعه پرشتاب امروز پردازیم. این شیوه همان شیوه‌ای است که نویسنده کتاب "فلسفه کتابداری و اطلاع‌رسانی" در تدوین این اثر اتخاذ کرده است و از این رو می‌تواند در پاسخگویی به بسیاری از پرسشهای اساسی درباره ماهیت و عملکرد این رشته مفید باشد.

کتاب حاضر یک پژوهش تاریخی با رویکرد کیفی و مبتنی بر مفاهیم فلسفی است که متن منسجم و مستند آن نشان از علاقه مندی مولف به موضوع کتاب و جستجوی فراوان ایشان در منابع مرتبط دارد. محتوای این کتاب و ساختار آن به گونه‌ای است که بیش از آنکه در صدد اقناع خواننده برای پذیرش اندیشه نویسنده باشد او را به اندیشیدن و مطالعه بیشتر در خصوص مباحث مطرح شده دعوت می‌کند چرا که خود کتاب نیز حاصل نوعی تلاش در همین زمینه است. نویسنده کتاب طی مصاحبه‌ای^۱ در بیان اهدافش از تالیف این اثر ضمن آنکه به علاقه مندی شخصی خود به پژوهشهای کیفی اشاره می‌کند هدف اصلی را از نظر حرفه‌ای پر کردن خلاء موجود در آثار کتابداری و اطلاع‌رسانی داخل و خارج از کشور در پرداختن به پرسشهای چالش برانگیز این رشته معرفی می‌کند. البته محتوی و ساختار کتاب که در ادامه معرفی می‌شود نشان می‌دهد که اثر حاضر تا حد قابل توجهی در تحقق این هدف موفق بوده است.

^۱ تیشه کتابداری در بیستون اطلاع‌رسانی - روزنامه همشهری مورخه ۱ آریبهشت ۸۷

مشخصات کتاب:

کتاب فلسفه کتابداری و اطلاع رسانی از دو بخش و پانزده فصل تشکیل شده است. بخش نخست که شش فصل را در بر می گیرد به "چیستی ها و چگونگی های" کتابداری و اطلاع رسانی می پردازد و بخش دوم که نه فصل را شامل می شود به "چرایی ها"ی این رشته اختصاص یافته است. فصل اول با عنوان "مقدمه: معرفی پژوهش" نشان میدهد که اثر حاضر بیش از آنکه یک کتاب مبتنی بر آراء و عقاید شخصی نویسنده باشد مبتنی بر پژوهشی گسترده و چند وجهی درباره موضوع کتاب است. پژوهشی که کیفی^۲ است و نه کمی^۳ و از رویکردی آمیخته از هستی شناسی^۴، معرفت شناسی^۵ و روش شناسی^۶ خاص پژوهشهای کیفی برخوردار می باشد.

فصول دوم تا پنجم با رعایت انسجامی منطقی به "تاریخ کتابخانه ها"، "تاریخ حرفه کتابداری"، "تاریخ علم کتابداری" و "تاریخ علم اطلاع رسانی" می پردازند. فصل ششم که پایان بخش نخست کتاب محسوب می شود با عنوان "دورنمای نظری کتابداری و اطلاع رسانی" به شباهتها و تفاوتهای کتابداری و اطلاع رسانی در عرصه نظر و عمل اختصاص یافته است.

بخش دوم کتاب با فصل هفتم تحت عنوان "فلسفه و اهمیت آن" آغاز می شود و در فصل هشتم با "فلسفه علم" ادامه می یابد. سه فصل نهم، دهم و یازدهم که به اعتقاد اینجانب نقطه اوج کتاب است نمونه ای موفق از یک مرور پیشینه^۷ تحلیلی را به نمایش می گذارد. گسترده گی منابع مورد بررسی و دیدگاه انتقادی نویسنده به موضوع بحث که از سطح توصیف صرف گذشته و به تحلیلی موشکافانه رسیده است تصویر روشنی از پیشینه

² Qualitative Approach

³ Quantitative Approach

⁴ Ontology

⁵ Epistemology

⁶ Methodology

⁷ Analytical Literature Review

پژوهش ترسیم می کند و نقاط خالی^۸ آن را مشخص می سازد. فصل دوازدهم با عنوان "از تاثیر پذیری تا تعامل" به ویژگی "میان رشته ای"^۹ بودن کتابداری و اطلاع رسانی می پردازد که به رغم اهمیت فراوان آن تا کنون توجه کافی به آن نشده است. در نهایت نویسنده در سه فصل پایانی کتاب که به ترتیب عبارتند از: "عوامل تاثیر گذار بر کتابداری و اطلاع رسانی: تعامل، تعارض و جدائی ناپذیری"، "جدائی ناپذیری کتابداری و اطلاع رسانی" و "از کثرت به وحدت" با رویکردی کل گرا به پاسخگویی به پرسشهای طرح شده در ابتدای کتاب می پردازد به نحوی که در آخرین صفحه متن اصلی (صفحه ۴۴۶) با این جمله نهایی متن به پایان می رسد:

"... ترویج اصطلاح هایی چون "دانش رسانی"، "دانش رسان"، "دانش شناسی"، "دانشورز" و اصطلاحات هم خانواده به جای "کتابداری و اطلاع رسانی"، "کتابدار" و "اطلاع رسان" تنها زمانی می تواند بیانگر رابطه رشته و حرفه ما با روح زمانه باشد که برنامه ریزیهای علمی مان واقع گرایانه و مساله مدارانه و تصمیم گیری هایمان در باب نام رشته آگاهانه و بر پایه کار اصیل و درونزاد باشد."

کاستیها و دشواریها

در بیان کاستیهای این اثر ذکر چند نکته ضروری است. نکته اول اینکه شاید ماهیت موضوع بحث کتاب نویسنده را ناچار به ارائه اثری کاملاً متنی^{۱۰} کرده است. شاید اگر نویسنده می توانست بعضی از مقایسه ها را در قالب جدول نشان دهد (مانند آنچه در صفحه ۱۶۳ آمده) خواندن متن از سهولت بیشتری برخوردار بود. ممکن است برای خواننده کم حوصله این روزگار مطالعه کتابی با ۴۹۰ صفحه متن مطلق کمی دشوار و خسته کننده باشد.

⁸ Gaps

⁹ Interdisciplinary Nature

¹⁰ Textual

نکته دوم دشواری در جستجوی پانویسها و یادداشتهای آنها است. ذکر پانویسها در پایان هر فصل به سهولت مطالعه کتاب آسیب می زند چرا که خواننده مجبور است مرتب به انتهای هر فصل مراجعه کند و حجیم بودن کتاب کمی این جستجو را مشکل می سازد. مثلا در صفحه ۱۲۰ با واژه "فراعلم"^{۱۱} روبرو می شویم و برای یافتن مترادف انگلیسی آن باید به صفحه ۱۴۲ مراجعه کنیم. این مشکل در سراسر کتاب وجود دارد و به دلیل وجود استنادهای مکرر در متن به پانویسها و یادداشتهای آخر فصلها در مجموع دنبال کردن بحثها مشکل می شود.

ضمنا یکی از شیوه استناد دهی درون متنی مانند شیوه ای پی ای (APA)^{۱۲} نیز برای این کتاب مناسبتر به نظر می رسد چرا که خواننده به سرعت و سهولت می تواند بین متن و استنادها ارتباط برقرار کند و از مراجعه مکرر به انتهای فصلها بی نیاز می شود. مثلا در صفحه ۲۹۸ در تعریف واژه پارادایم از منبعی استفاده شده که فقط با ذکر شماره ۴۶ نشان داده می شود و خواننده برای یافتن آن مجبور است به صفحه ۳۱۸ مراجعه کند و دریابد که تعریف ارائه شده از ویکی پدیا گرفته شده است که البته استناد به ویکی پدیا نیز در مواردی که منابع مستندتری وجود دارد خود جای بحث است. البته همانطور که مشاهده می شود اشکالات ذکر شده در اینجا بیش از آنکه متوجه محتوی کتاب باشد به چگونگی تدوین آن مربوط می شود و از ارزش علمی آن نمی کاهد.

نظر کلی درباره کتاب

در مجموع به نظرم این کتاب از چند جهت قابل توجه است. نخست آنکه یکی از معدود آثار فارسی موجود در حوزه کتابداری و اطلاع رسانی است که به حق عنوان "تالیف" را با خود دارد چرا که بسیاری از آثار تالیفی در این رشته، بویژه در سالهای اخیر، بیش از آنکه تالیف باشند یا ترجمه اند یا گردآوری. نکته دیگر رویکرد پژوهشی کتاب است که نشان می دهد نویسنده آن نسبت به اصول و قواعد پژوهش در کل و پژوهشهای کیفی به طور خاص کاملا آگاه بوده و این اصول را در تدوین اثر خود به خوبی به کار گرفته است. بنابراین، کتاب

¹¹ Metascience

¹² American Psychological Association

فلسفه کتابداری و اطلاع رسانی یک اثر تالیفی با رویکرد پژوهشی و تحلیلی است و همین دو ویژگی کافی است که آن را در میان آثار موجود ممتاز سازد.

امتیاز دیگر این کتاب نگاه میان رشته ای و کل نگر^{۱۳} مولف اثر به حرفه کتابداری و اطلاع رسانی است. نگاهی که به اعتقاد اینجانب ضامن بقاء و پویایی این رشته است. تصویر روی جلد کتاب نیز همین نگاه را بخوبی نشان می دهد و مقدمه کتاب نیز با اشاره به پروژه BOINC^{۱۴} نشان دیگری از همین نگاه است.

ویژگی دیگری که بر ارزش این اثر می افزاید گستردگی و عمق توجه آن به آثار مرتبط با این حوزه در داخل و خارج از کشور است. در جایی از کتاب نویسنده مهمترین دشواری خود را در این تالیف این اثر دستیابی به منابع مورد نیازش معرفی می کند و بدیهی است که با توجه به انگیزه ایشان از دسترسی به بیشترین منابع مرتبط از یک سو و کمبود و پراکندگی منابع موجود در کتابخانه ها و مراکز مختلف این دشواری کاملاً ملموس است. با این حال این محدودیت مانع از گستردگی نگاه نویسنده و احاطه او به منابع گوناگون نشده است.

نکته مهم دیگر در خصوص این اثر رویکرد تحلیلی آن به شباهتها و تفاوتهای "کتابداری" و "اطلاع رسانی" و اشاره به غلط رایج مترادف شمردن "اطلاع رسانی" و "خبر رسانی" در جامعه ماست. اشتباهی که سرمنشاء بسیاری از اشتباهات و برداشتهای نادرست درباره این رشته است. در مجموع کتاب حاضر اثر ارزشمندی است و مطالعه آن می تواند برای کتابداران، مدیران کتابخانه ها، دانشجویان و مدرسان کتابداری مفید باشد.

منابع:

رها دوست، فاطمه. (۱۳۸۷). تیشه کتابداری در بیستون اطلاع رسانی. *روزنامه همشهری*. مورخه ۱ آریبهشت ۸۷

ص. ۱۲.

¹³ Interdisciplinary and Holistic Approach

¹⁴ Berkeley Open Infrastructure for Network Computing